



زمین‌های این مجتمع صنعتی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، حق برخورداری از تشکل مستقل صنفی

و نیز مشارکت نهادهای کارگری بر کنترل و نظارت تولید در کارخانه و آزادی کارگران در بند شده بودند. به دنبال برگزاری این گردهمایی بود که موج احضار و تهدید کارگران آغاز گردید.

رژیم ولایت فقیه در هراس از اعتصاب‌های کارگری در اوضاع کنونی، سیاست اعمال فشار و ایجاد فضای ارباب را پیگیری و با دستگیری گروهی از کارگران نیشکر هفت تپه، در حقیقت برای جنبش کارگری و مبارزان سندیکایی خط و نشان کشیده و چنگ و دندان نشان می‌دهد. با اعمال تحریم‌های مداخله جویانه آمریکا و ژرفش بحران اقتصادی نهادهای امنیتی رژیم با حساسیت بیشتر از گذشته با جنبش

یورش گزمنگان رژیم ولایت فقیه به کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه را محکوم می‌کنیم! به احضار و بازداشت کارگران پایان دهید

بر پایه گزارش‌های انتشار یافته از چند روز پیش به این سوی گروهی از کارگران بخش‌های مختلف مجتمع نیشکر هفت تپه توسط ارگان‌های امنیتی احضار، تهدید و تا کنون حداقل شش تن از آن‌ها بازداشت و روانه زندان شده‌اند. این موج تازه بازداشت‌ها پس از برگزاری تجمع اعتراضی کارگران انجام می‌پذیرد. کارگران در گردهمایی ۱۹ اردیبهشت ماه امسال مخالفت قاطع خود با شورای اسلامی کار و نقش مخرب این تشکل زرد حکومتی را اعلام نمودند. همچنین در جریان این گردهمایی اعتراضی، کارگران بار دیگر خواستار توقف خصوصی سازی و واگذاری

نامه کارگری ضمیمه



شماره ۲۰، ۶ خرداد ماه ۱۳۹۸



فساد مالی گسترده در رژیم، و تأثیر آن بر زندگی طبقه کارگر

درباره فساد مالی نهادهای در ارکان رژیم ولایت فقیه گزارش‌هایی متعدد در رسانه‌های داخلی و خارجی انتشار یافته و اندیشه‌های همگانی کم‌وبیش به آن آشناست. اما تأثیر این فساد مالی بر زندگی توده‌های محروم به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان در گزارش‌های مطبوعاتی بازتابی چندانی نیافته است. تأثیر این فساد مالی، رانت‌خواری و اختلاس بر زندگی و امنیت شغلی کارگران چگونه است؟ در سال ۹۷ و در سالی که تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی معیشت و امنیت شغلی میلیون‌ها نفر از کارگران و زحمتکشان کشورمان را هدف قرار داد، علاوه بر توزیع حدود ۳۰ میلیارد دلار منابع ارزی بین وابستگان رژیم در اوایل سال، بنا به گفته وزیر اقتصاد "۷۵ درصد" از ۴۰ میلیارد دلار ارزهای صادراتی عموماً توسط بنگاه‌های اقتصادی وابسته به "نهادهای غیرپاسخگو" هم به کشور بازنگشته است و هیچ گزارش شفافی در مورد ۲۳ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی "که بخش عمده آن به‌اصطلاح برای واردات کالاهای اساسی توزیع شده بود نیز" ارائه نمی‌شود. در یک چنین شرایطی و در حالی که با تجاوز به حقوق مردم در تمام عرصه‌های زندگی، رژیم ولایت فقیه فقر و محرومیت بی‌سابقه‌ای را به طبقه کارگر کشورمان و دیگر زحمتکشان تحمیل کرده است، روحانی با افتخار به "تدوین

چرا احیای حقوق سندیکایی و وظیفه مبرم جنبش کارگری در شرایط کنونی است!

در شرایط کنونی و با مشکلات عظیم سیاسی- اقتصادی و تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا، اولویت رژیم ضد‌مردمی ولایت فقیه تضمین بقای "نظام" است. در این راستا و با افزایش اعتراض‌های کارگری علیه سیاست‌های اقتصادی ویرانگر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی در محیط و روابط کار، رژیم ولایت فقیه به ادامه اجرای آن سیاست‌ها برای استمرار بهره‌کشی از زحمتکشان و جهت ادامه حالت تهاجمی تصمیم گرفته است. رژیم ارتقا سطح سازمان‌دهی زحمتکشان و همبستگی مبارزاتی کارگران با دیگر زحمتکشان را بزرگ‌ترین خطر برای ادامه نظام ارتجاعی و استبدادی ولایت فقیه می‌داند. روز ۲۴ اردیبهشت، ولی فقیه خامنه‌ای "مداخلات غیر لازم دستگاه‌های حکومتی در مسائل اقتصادی و عدم اجرای مناسب سیاست‌های اصل ۴۴"، به‌عبارت‌دیگر، حتی روند کنونی مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی لگام‌گسیخته را به‌عنوان "بیماری‌های مزمن اقتصاد کشور" نام برد و بر تشدید اجرای این سیاست‌های ویرانگر تأکید کرد. به‌این ترتیب

حقوق شهروندی" و "لایحه شفافیت" خود روز ۲۵ اردیبهشت ۹۸ می‌گوید: "حکومت جمهوری اسلامی ایران حکومت قانون است." وزیر کار، محمد شریعتمداری، نیز که به‌هدف سرکوب اعتراض‌های کارگری و غارت و خصوصی‌سازی اندوخته‌های کارگران در سازمان تأمین اجتماعی به این سمت برگزیده شده، در حین اینکه "اندیشکده شفافیت برای ایران" و کارگاه‌های آموزشی "شفافیت [و] سیاست‌گذاری عمومی" را راه‌انداخته است، با این وجود روز ۲۸ اردیبهشت شخصاً ریاست "هیئت واگذاری صندوق‌ها" را به‌عهده گرفت. در واکنش به ترفندهای کارگزاران رژیم زیر نام "شفافیت"، روز ۱۵ اردیبهشت "کارگران خط و ابنیه فنی راه‌آهن آذربایجان" خواستار انتشار دریافتی‌های "مدیران و کارکنان راه‌آهن" روی "وبسایتی به نام شفافیت" شدند و اعلام کردند: "راه مقابله با فساد نه خصوصی‌سازی و سپردن کارها به پیمانکار [بخوان: دلال]، بلکه شفافیت است."

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه چرایی احیای حقوق سندیکایی ...

در اوج بحران و سقوط سطح زندگی زحمتکشان، برنامه‌های ضدکارگری تداوم خواهد داشت. نکته مهم اینجاست که هم‌زمان با این وضعیت وخیم حقوق سندیکایی و حق برپایی شکل مستقل سندیکایی از طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما سلب شده است.

گرچه اجرای سیاست اقتصادی نولیبرالی دیکته‌شده از سوی نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سه دهه اخیر و فساد گسترده در رژیم و کاهش ویرانگر ارزش پول ملی در یک سال اخیر، موجب رکود عمیق اقتصادی و بیکاری هزاران کارگر و زحمتکش دیگر گردیده است، و به‌ندرت اشتغال جدید دیده می‌شود، با اینهمه، روز ۲۵ اردیبهشت روحانی روی "جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جوان به‌صورت کارورز" تأکید کرد و روز ۲۹ اردیبهشت این‌ها از پرداخت نشدن "افزایش ۴۰۰ هزار تومانی حقوق" به معلمان "جدیدالورود" گزارش داد. گرچه "امتحان جامع" و به‌اصطلاح "دوران کارورزی" این معلمان در تیرماه سال جاری تمام می‌شود، با وجود این معاون برنامه‌ریزی و توسعه وزارت آموزش و پرورش گفت: "این گروه معلمان هم‌اکنون در دوره کارورزی هستند." به‌عبارت‌دیگر، رژیم ولایی بهره‌کشی سبانه حتی از معلمان به‌صورت "کارورز" را آغاز کرده است. پرسش این است که، آیا کارگران و فرهنگیان که در معرض چنین استثمار وحشیانه‌ای قرار دارند، از اثرمی مؤثر همچون تشکیلی سندیکایی به‌منظور دفاع از حقوق خود برخوردارند؟

فراموش نکنیم که هدف عمده رژیم در یورش نهادهای امنیتی و گزمگان رژیم به‌خصوص در یک ماه اخیر و بازداشت ده‌ها نفر از کارگران در روز جهانی کارگر، بازداشت یا احضار ده‌ها نفر از معلمان مبارز در روز معلم یا روزهای پیش از آن، بازداشت تعداد زیادی از کارگران مبارز نیشکر هفت‌تپه، و یورش مأموران امنیتی و وابستگان رژیم به تجمع برحق دانشجویان در ۲۳ اردیبهشت، تحمیل حالت تدافعی به جنبش کارگری و مردمی و تداوم این حالت است. کارگران هفت‌تپه در مبارزات گسترده خود، به‌خصوص در دو سال اخیر، علاوه بر مخالفت شدید با سیاست رژیم غارتگر ولایی مبنی بر خصوصی‌سازی شرکت و تأکید بر مطالبه ماه‌ها دستمزد و حق بیمه پرداخت نشده‌شان و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، بر آزادی تشکیل سندیکای مستقل خود اصرار داشته‌اند. مخالفت کارگران نیشکر هفت‌تپه با سیاست خصوصی‌سازی رژیم، جهت مخالفت سیاسی و طبقاتی کارگران به سوی غارت منابع ملی و بنگاه‌های تولیدی کشور به‌وسیله کارگران رژیم چپاول‌گر ولایی است. رژیم شکل‌گیری تشکیلی دست‌ساز، گوش به فرمان و زرد "شورای اسلامی کار" را ترجیح می‌دهد. با این وجود و بر اساس گزارش ۳۰ اردیبهشت ایلنا، اخراج از کار در رژیم ولایی به‌قول کارفرما حتی گریبانگیر عاقبت اعضای احتمالاً "متنرد" این تشکیلات نیز می‌شود. مبارزه کارگران شرکت تجهیزات سنگین هپکو، آذرب، گروه ملی فولاد ایران، ماشین‌سازی تبریز، بلبرینگ‌سازی تبریز، خانه‌سازی ایرداک، کمباین‌سازی سهند تبریز، کشت و صنعت و دامپروری مغان، شرکت کشت و صنعت کارون، پالایشگاه کرمانشاه، شرکت نکا چوب، و جز این‌ها، علاوه بر تأکید بر مطالبه دستمزدهای پرداخت نشده‌شان، علیه سیاست خصوصی‌سازی رژیم و خواست برحق‌شان برای برپایی تشکیلی مستقل‌شان بوده است. لغو "خصوصی‌سازی و ارائه آموزش رایگان" و "آزادی تشکیلی" در صدر خواست‌های "شورای هماهنگی تشکیلات صنفی فرهنگیان ایران" در قطعنامه پایانی تجمع روز معلم بود و یورش مأموران امنیتی و عناصر بسیج و انجمن اسلامی به تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران در واقع به‌علت همبستگی دانشجویان با مبارزات کارگری و مخالفت شدید جنبش دانشجویی با سیاست لگام‌گسیخته خصوصی‌سازی آموزش و مبارزه آنان برای احیای حق تشکیلی مستقل بود. باتوجه به این رویدادها و تجربه مبارزات چندین ساله اخیر، باید با تأکید یادآوری کنیم که احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهای واقعی برای تأمین منافع صنفی - رفاهی یک ضرورت است و بدون دستیابی به آن همچنان که می‌بینیم در مهم‌ترین موردها مانند افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و غیره، کارگران قدرت تأمین و تضمین منافع خود را ندارند و نخواهند داشت. رژیم ولایت فقیه مخالفت شدیدش با احیای حقوق سندیکایی و تشکیلی سندیکاهای کارگری با ماهیت طبقاتی را به‌وضوح نشان داده است. بنابراین جنبش کارگری احیای حقوق سندیکایی را به‌درستی در اولویت مبارزه خود قرار داده است.

ادامه فساد مالی گسترده ...

با شوک ارزی ویرانگر و "مالیات نامرئی تومری" نجومی تحمیل‌شده بر زحمتکشان، ایلنا، ۱۶ اردیبهشت ۹۸، از پرداخت نشدن "۶ ماه" دستمزد کارگرانی که روی خط انتقال آب به مردم تشنه زاهدان کار می‌کنند خبر داد. ۲ روز پیش از آن یک اقتصاددان در گفتگو با ایسنا، ۱۴ اردیبهشت‌ماه، مبلغ ۴۰ میلیارد دلار ارزش صادرات به‌اصطلاح غیرنفتی را ۴۴ میلیارد دلار عنوان کرد و افزود: "حدود ۷۰ درصد از این صادرکنندگان که ارزهای خود را برنمی‌گردانند وابسته به شرکت‌های خصوصی هستند که به‌نحوی مدیریت‌شان به دولت می‌رسد." خیرگزاری مهر نیز روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه گزارش داد که در "فهرست دریافت‌کنندگان ارز دولتی (۴۲۰۰ تومانی) ... خبری از صادرکنندگانی که ارز را نیاورده‌اند، نیست. ... اسامی ... واردکنندگان خودرو که سهم هنگفتی از ارز دولتی را به‌خود اختصاص داده‌اند، به‌چشم می‌خورد. ... ۴۵ درصد صادرات غیرنفتی را پتروشیمی‌ها، ۱۵ تا ۲۰ درصد را فولادی‌ها و فلزات رنگین به‌خود اختصاص داده و بیشتر صادرکنندگان این بخش‌ها دولتی‌ها و خصوصی‌ها در برمی‌گیرند."

در اسفندماه ۹۷ شورای عالی کار سید معیشت خانوار کارگری را ۳ میلیون و ۷۵۹ هزار تومان تعیین کرد در صورتی که "رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراها اسلامی" قبل از اسفندماه رقم سید معیشت را بیش از ۵ میلیون تومان اعلام کرده بود. او روز ۲۳ اردیبهشت ۹۸ به ایلنا گفت: "از آنجاکه در مذاکرات رسمی دستمزد در شورای عالی کار، معیار گفتگوها، نرخ تورم رسمی است و امکان توافق روی نرخ‌های میدانی وجود ندارد، به همین اعداد ارقام رسمی بسنده می‌کنیم." به‌رغم تعیین "۳ میلیون ۷۵۹ هزار تومان" به‌عنوان سید معیشت خانوار از سوی خود رژیم، روز ۲۸ اسفند ۹۷، رقم یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان به‌عنوان حداقل دستمزد، یعنی دستمزد اکثر کارگران کشور، پذیرفته شد. اکنون با افزایش لگام‌گسیخته قیمت کالاهای اساسی و مواد خوراکی، "رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراها اسلامی" به ایلنا، ۲۳ اردیبهشت ۹۸، گفت: "این سید تا انتهای فروردین‌ماه، ۵۷ درصد افزایش قیمت پیدا کرده ... هزینه‌های کارگران در طی فروردین ۹۸، بیش از ۲ میلیون و ۱۴۰ هزار تومان افزایش یافته است. به‌عنوان نمونه و حتی بر اساس اعلام "مرکز آمار قیمت پیاز در یک سال (سال ۹۷ به نسبت سال قبل) ۵۲۲ درصد ... رشد داشته است. ... [و] نرخ تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها در فروردین امسال به ۸۴۳۴ درصد رسیده است؛ و معاون بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران در رابطه با به‌اصطلاح "نظارت" کارگران رژیم ولایی بر قیمت‌ها، به ایلنا، ۲۲ اردیبهشت ۹۸، گفت: "بازارهای کشورهای اطراف از جمله عراق به‌دلیل کیفیت مناسب پیاز کشور ما، طالب این محصول هستند و با قیمت مناسب آن را خریداری می‌کنند." رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز روز ۲۲ اردیبهشت به ایلنا گفت: "دلالت و واسطه‌گران حجم عظیمی از منابع ارزی را به‌خود اختصاص دادند. ... کمیسیون اقتصادی در زمان بررسی لایحه بودجه پیشنهادی داشت که دولت به‌ر دلیل آن را نپذیرفت." بعد از ویران کردن وضعیت معیشت زحمتکشان در بیش از یک سال اخیر، کارگران رژیم مطابق معمول باز می‌گویند: "این کار خطای راهبردی است، از این‌رو بندهایی از قانون بودجه را اصلاح می‌کنیم." مشکل کارگران و زحمتکشان علاوه بر تهیه مواد خوراکی موارد دیگری نیز هست. به‌عنوان نمونه، روز ۳۰ اردیبهشت ایلنا از افزایش "۱۰۰ درصدی قیمت مسکن در سال ۹۷" و مجبور شدن خانوارهای کارگری به پرداخت "۸۰ درصد درآمد خود" برای تهیه منزل اجاره‌ای قابل زندگی گزارش داد. بنابراین میان به‌خامت گریبیدن معیشت کارگران و بدتر شدن زندگی آنان با گسترش فساد مالی و خروج سرمایه از کشور رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. فعالیت‌های دلالی و فساد مالی نهادینه به همان اندازه که سودهای هنگفت به جیب کلان‌سرمایه‌داران، مدیران و فرماندهان ارشد کشوری و لشکری سرازیر می‌کند، به همان میزان کاهش قدرت خرید و فقر را به زحمتکشان تحمیل می‌کند. علاوه بر تحریم‌های امپریالیستی، رکود شدید اقتصادی و فساد گسترده در تمام ارکان رژیم، رژیم ولایی هیچ‌گونه برنامه‌ای برای رفع مشکلات کارگران به‌جز سرکوب و خشونت آشکار ندارد. تنها راه‌هایی از این شرایط اسفبار، مبارزه‌ای سازمان‌یافته و متحد برای تحمیل عقب‌نشینی به رژیم ستمگر ولایی است.

تمرکز و اقدام مجتمع‌های صنعتی و پایمال شدن حقوق مردم

در شرکت "بایرن" هنوز یک تصمیم واحد در رابطه با ادغام و یا واگذاری آن به شرکت "مونسانتو" گرفته نشده است. مدیرعامل سابق بایرن - "مارین دکرس" - با این ادغام یا واگذاری مخالف است. به نظر او سیاست‌های شرکت آمریکایی مونسانتو به هیچ وجه با سیاست‌های راهبردی بایرن همخوانی ندارد و در صورت ادغام یا واگذاری می‌تواند نام شرکت را هم خراب کند. برخلاف نظر مارین دکرس، جانشین او، یعنی "ورنر باومن"، و رئیس هیئت نظارت، "ورنر وینینگ"، از این معامله طرفداری و حمایت می‌کنند. بنا بر برآورد این دو نفر، این معامله با منطق سرمایه صنعتی هماهنگی کامل دارد. کل مؤسسه با این نظر قانع شده است که باید به سمت تمرکز سرمایه حرکت کرد: "بیلغ یا اینکه بعیده می‌شوی!". با تمرکز سرمایه می‌توان کنترل بازار را در اختیار داشت و قیمت‌ها را افزایش داد. با نمونه کارهایی که مونسانتو ارائه داده، می‌توان شرکت بایرن را تکمیل تر کرد. مانند خیلی از موردها، تأثیر همکاری‌های اقتصادی مشترک را شاهد بوده‌ایم. "باومن" و "وینینگ" توانستند با نشان دادن یکسری اعداد و ارقام نظرهای‌شان را به کرسی بنشانند. در سال مالی ۲۰۱۸ درآمد بخش کشاورزی با حدود ۴۹ درصد افزایش به مبلغ ۱۴/۳ میلیارد رسید که ۴۲/۷ درصد این مبلغ به حساب بانکی شرکت مونسانتو واریز شد. مؤثر بودن این معامله به ویژه از راه فروش ماشین‌های علف‌کش بود که درآمد آن را ۵۸/۴ درصد بالا برد. افزایش فروش ماشین‌های علف‌کش در آمریکای لاتین، عمدتاً با افزایش قیمت‌ها و از طریق پخش وسیع آن با نام انحصاری "ران داب" همراه بوده است. تأثیر نام انحصاری "ران داب" به عنوان عامل درجه دوم در فروش علف‌کش‌ها در برزیل و در گزارش مالی سالانه به ثبت رسیده است. در آمریکای لاتین، کشاورزان، انبارهای محصولات باقی مانده از سال قبل را به سرعت از طریق فروش آن‌ها خالی کردند و از نو شروع کردند به خریدن مقدار بسیار زیادی از علف‌کش‌های جدید. برنامه همکاری مشترک و اثرگذاری متقابل تنظیم شده است. رئیس شرکت "کراپ ساینس" [لیام گندون] توانسته است حتی تخمین بزند که تا سال ۲۰۲۲ مبلغ فروش به ۸۷۰ میلیون یورو می‌رسد. هر چند که اعداد و ارقام ارائه شده از طرف باومن و وینینگ بسیار جذاب به نظر می‌رسند، اما شرکت بایرن از زمانی که شرکت مونسانتو آن را تحویل گرفته است، با کاهش چشمگیر سهام روبرو شده است. از ۸۶/۸ یورو به ۵۸ یورو سقوط کرده است. مدیرعامل بازار بورس با شکایت از این کاهش می‌گوید: "وضعیت خوب این شرکت، چشم‌انداز رشد عالی، قدرت کسب درآمد - همه این‌ها را من بسیار ناکافی و ناقص در ارزش فعلی سهام بازار بورس می‌بینم." ظاهراً یک چیزی اینجا در منطق سرمایه صنعتی اختلال

به وجود آورده و آن چیز مسئله رسیدگی به پرونده "گلیفوسات" در دادگاه‌های ایالت متحده آمریکا است. در اولین جلسه رسیدگی، دادگاه، شرکت بایرن را به ۷۸ میلیون و در دومین دادرسی به ۸۰ میلیون دلار محکوم کرد. نقش آفرینان بازار مالی حساب کرده‌اند که در حال حاضر ۱۱ هزار و ۲۰۰ دعوی حقوقی بر روی میز قرار گرفته است و به همین منظور به سروسامان دادن به اسناد و مدارک شرکت مشغول شدند. با این وجود، شرکت چندملیتی "لیورکوزن" با اطمینان کامل از محصولاتش دفاع می‌کند و می‌گوید: "اگر گلیفوسات به درستی استفاده شود، هیچ آسیبی نمی‌رساند و سرطان‌زا هم نیست." و با این بیان سعی دارند حکم دادگاه را رد کنند. آن‌ها درصددند تا در دادگاه عالی، گلیفوسات را نه فقط بی‌خطر بلکه حتی مفید هم جلوه بدهند. آن‌ها با این امید دل بسته‌اند که در دادگاه عالی فقط با حقوق دانان سروکار دارند و نه با شاهدان، یعنی شاهدانی که می‌توانند به راحتی سرنوشت بیماران شاکی و مبتلا به سرطان را در نگاه جهانیان تعیین کنند. در صورتی که جریمه کنسرن‌ها به شکل قابل توجهی کاهش نیابد، ممکن است آن‌ها به جای پرداخت نقدی جریمه، نوع دیگری از غرامت را به آسیب دیدگان پیشنهاد کنند تا از این طریق به رقم دیگری دست پیدا کنند که میزان آن از جریمه تعیین شده کمتر است و پس از آن حاضرند به بلایای گلیفوسات بپردازند. سرمایه‌گذاران مایل اند یک چنین روزی را ببینند، زیرا برای آنان شرایطی فراهم خواهد شد تا دوره بی‌ثباتی را به پایان رسانند، در غیر این صورت، خسارت‌هایی سنگین متحمل خواهند شد. تا زمانی که این اتفاق نیفتد، سرمایه‌گذاران و صندوق‌های بازنشستگی خودشان را با اعداد و ارقام سرگرم خواهند کرد. به نقل از "مارکوسمان"، از اتحادیه سرمایه‌گذاران، گفته می‌شود: "اگر بایرن مجبور به پرداخت ۵ میلیارد دلار بشود، آن موقع می‌شود گفت که مدیرعامل بایرن کارش را به درستی انجام داده است، و اگر بایرن در پایان مجبور به پرداخت ۱۰ میلیارد دلار بشود، این بدان معنا است که مدیرعامل خطرهای همکاری با مونسانتو را به خوبی حدس زده بوده است." آیا سرمایه صنعتی می‌تواند با این ۱۰ میلیارد دلار منطقی را که ادعا می‌کند به اثبات برساند؟ جدا از اینکه چه نتیجه‌ای حاصل شود، می‌شود گفت که بازنده این معامله کیست: ۱۲ هزار نفر از کارکنان، کارکنانی که شغل‌شان را در معامله با مونسانتو از دست داده‌اند. "بلاک روک و شرکا" [شرکت بزرگ آپارتمان‌های اجاره‌ای] هم با توجه به کاهش سهام بورس، منتظر نتیجه عملکرد شرکت چندملیتی "لیورکوزن" هستند. نوشته "یان پرکه"، تارنمای نشریه "عصر ما" - حزب کمونیست آلمان (د ک پ) - ۲۳ فروردین ماه ۱۳۹۸

ادامه مطالبه‌های پرستاران ...

هامبورگ آغاز شد. در یک گروهی از سوی چند گروه که درخواست استخدام بیشتر کارکنان در بیمارستان‌ها را داشتند. این گروه‌ها افزایش پیدا کردند و در حال حاضر بیشتر از بیست گروه در تمام آلمان فعالیت می‌کنند. اعضای این گروه‌ها الزاماً نباید حتماً پرستار و یا در کارهای خدمات پزشکی شاغل باشند، شرط فعالیت، حمایت و پشتیبانی از مبارزه کارگران و با مردم تماس گرفتن و صحبت کردن و بیان کردن این موضوع که: هر چه تعدادمان بیشتر شود برای همه ما بهتر خواهد بود، خدمات پزشکی، درمانی و بهداشتی نباید بر اساس سود پایه‌ریزی شود و به صورت کالا دربیاید! نتیجه این کارزار، به وجود آمدن حجم عظیمی از نامه‌های اعتراضی بود که قرار است این نامه‌ها در تیرماه امسال به کنفرانس پیش رو به وزیر بهداشت و سلامت تحویل داده شود. این گروه‌ها در حال حاضر در بیمارستان‌ها مستقر هستند و به فعالیشان ادامه می‌دهند. یک چمدان بر روی یک چرخ دستی تهیه شده است که از آن طوماری کاغذی سرریز می‌شود، به منظور جمع‌آوری امضا. این اقدام می‌تواند بسیار مؤثر باشد. بعد از چهار هفته طول این طومار با امضاهای مردم به چهل متر رسید. هیچ فرقی نمی‌کند که کجا کار می‌کنید و در چه پستی هستید، پرستار یا کارگر بخش خدمات بیمارستان هستید، پزشک، ماما یا جرزو نیروهای نظافت کننده هستید، متخصص گفتاردرمانی و... مهم این است که مبارزه همه این گروه‌های شغلی در بیمارستان‌های گوناگون به شکلی کاملاً آشکارا با همدیگر در ارتباط قرار گرفته است. مشکل، فقط مشکل یک حرفه نیست. مبارزه در تمام مؤسسه‌ها، رشد سازمان‌یافته‌تر سندیگاه‌ها، رشد بیش از بیست گروه اجتماعی حامی زحمتکشان، نظرخواهی از مردم در شهرهای هامبورگ، بایرن، برلین و برمن، و همچنین انتشار و پخش این خبرها در رسانه‌ها و در افکار عمومی، نشان می‌دهد که جنبش در حال رشد است و هیچ راه دیگری هم غیر از آن وجود ندارد.

ترجمه از: "عصر ما"، روزنامه حزب کمونیست آلمان. تاریخ انتشار: ۲۴ اسفندماه ۱۳۹۷

ادامه یورش گزمنگان رژیم ...

اعتراضی توده‌ها به ویژه کارگران و زحمتکشان برخورد می‌کنند. یورش به تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در روزهای اخیر و موج احضار، تهدید و بازداشت کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه، تهدید و تفتیش خانه شماری از فعالان انون صنفی فرهنگیان و پیش‌تر حمله به تظاهرات مسالمت آمیز کارگران، دانشجویان و بازنشستگان در روز جهانی کارگر نشانگر سیاست رژیم ولایت فقیه در مواجهه با پیکار حق طلبانه مردم میهن ما در اوضاع به شدت بحرانی مقطع زمانی کنونی است. با افزایش تنش‌های خطرناک و اقدام‌های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا و سران رژیم، ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی برنامه‌های مشخص برای مهار، سرکوب و به انحراف کشاندن اعتراض‌های مردمی به هدف اعمال کنترل بر جامعه را تدارک دیده‌اند. حزب توده ایران احضار، تهدید و بازداشت کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه را به شدت محکوم و خواستار آزادی فوری همه کارگران در بند است. حزب ما با همه توان از مبارزه کارگران و زحمتکشان در راه تامین منافع سیاسی، صنفی و رفاهی‌شان پشتیبانی می‌کند.

کارگر زندانی آزاد باید گردد

نه به استبداد مذهبی، نه به تحریم و مداخله خارجی، آری به صلح کارنان آزادی

حزب توده ایران، ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸



اساسی‌تر مانند کار زنان، استثمار و شفاف‌سازی مربوط می‌شود و این پرسش که ما زنان چگونه هرروز از پس این همه وظایف برای حفظ تعادل خانواده و جامعه برمی‌آییم. آنجا بحث خوبی هم درگرفت، انتقاد و انتقاد از خود، راجع به شناخت از خود صحت شد: درواقع مسئولیت‌پذیری در محل کار آسان نیست و با یک سری مخالفت‌ها علیه ما همراه است. با این وجود ما نه می‌خواهیم و نه می‌توانیم خیلی راحت آن کارها را زمین بگذاریم. در همین زمان ما به نیروی مشترک خودمان می‌اندیشیم. آنچه ما به آن نیاز داریم، همبستگی است که پایه و اساس کار ما است. ما باید با این همبستگی جامعه‌مان را بسازیم. این بدان معنا است که با وجود اختلاف نظرها، برای همه، شرایط یکسان و مناسبی فراهم شود تا بتوانیم بهتر از خود و هم‌نوع خود مراقبت کنیم، تا بتوانیم در امور سیاسی مشارکت فعال داشته باشیم.

عصر ما: انتظارات شما با این اعتصاب برآورده شد؟

ملانیه استیتز: اعتصاب زنان کارگر و شاغل آلمان تنها یک پیش‌درآمد بود. کارزار اعتصاب‌ها یک حرکت سمبلیک بودند. ما با این کارزار، سطح شهر را به‌شکل زیبایی درآوردیم و مهم‌تر از همه تبادل نظرها بود: من گفت‌و‌زده شده بودم از اینکه افراد جدیدی از نسل‌ها و محیط‌های گوناگون باهم یکی شده‌اند. بارها و بارها با اشتیاق از همدیگر سؤال می‌کردند: پس از این چگونه باهم همکاری کنیم؟ چه برنامه‌ای برای سال آینده تدارک ببینیم؟ خیلی از ما شروع به صحبت با مردم محله‌های مختلف کردیم، مردمی که خودشان را مبارز و فعال نمی‌دانستند ولی از انگیزه قوی اعتصاب برخوردار بودند. همین خود به من شجاعت می‌دهد.

عصر ما: آیا موضوع سلامتی، درمان و پرستاری هم در این رابطه نقشی ایفا کرد؟

ملانیه استیتز: به‌نظر من همه‌جا اشاره به موضوع پرستاری شده بود، در فراخوان‌ها، در سخنرانی‌ها، در نشست‌ها و مراسم‌های گوناگون و در برخی از تظاهرات. آن چیزی که در این عرصه اتفاق افتاده و از خیلی جهات موردتوجه قرار گرفته و باید موردمطالعه قرار بگیرد، مسئله حقوق زنان و برخورداری از حقوق برابر با مردان در مبارزه کارگری است. بعضی از فعالان کوشش‌شان را چندین برابر کرده‌اند: شرکت در اعتصاب زنان، شرکت در کارزاری به‌نام انقلاب پرستاری که خواستار بهبود زندگی همه انسان‌ها شدند و شرکت در گروه‌های محلی که استخدام بیشتر کارکنان در بیمارستان‌ها را خواهان‌اند و... که همه این فعالیت‌ها باهم در ارتباط هستند. در این مبارزه تلاش شده است که کارهای زنان، کارهایی که به‌چشم نمی‌آیند، استثمار و منطق سودجویی و چیزهای دیگر به‌وضوح نشان داده شود. هم‌زمان این پرسش‌ها هم به‌میان کشیده می‌شوند که ما چگونه می‌خواهیم زندگی کنیم؟ شاید این یک اتفاق ساده نباشد، که درست در هشت مارس کارکنان خانه سالمندان در منطقه وتر واقع در مرکز هسن اعتصاب کردند و خودشان را با کارکنان مرکز کلینیک نگهداری بیماران متصل کردند و فقط به‌این دلیل که احتمال می‌دهند کارفرما قصد زیر پا گذاشتن قراردادهای دسته‌جمعی و فرار از تعهدهای قانونی را دارد.

عصر ما: حالا برگردیم به یک موضوع دیگر: در حال حاضر یک کارزاری به‌نام "نامه المپیک" یعنی کارزار اعتراض به سیاست صرفه‌جویی در امر بهداشت و خدمات درمانی در سطح کشور در جریان است. چه تصویری از این کارزار می‌توان داشت و فعالان آن چه کسانی‌اند؟

ملانیه استیتز: فکر این کار در وهله اول از شهر ادامه در صفحه ۳

مطالبه‌های پرستاران و کارکنان بخش بهداشت و درمان آلمان گفت‌و‌گوی روزنامه "عصر ما" با فعال سندیگایی پرستاران



اشاره: مبارزه پرستاران و کارکنان بخش بهداشت و درمان آلمان به‌ویژه در شهر دوسلدورف طی ماه‌های اخیر موردتوجه مطبوعات مترقی جهان قرار گرفت. در این زمینه روزنامه "عصر ما"، ارگان حزب کمونیست آلمان، مصاحبه‌ای با "ملانیه استیتز"، از فعالان کارزار دفاع از حقوق پرستاران، انجام داده است که ترجمه آن در زیر می‌آید.

عصر ما: کوشش شما در شهر دوسلدورف بر این اساس استوار شده است که بیمارستان‌ها باید پرستاران بیشتری را استخدام کنند. شما وضعیت حال حاضر بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها را چگونه تشریح می‌کنید؟

ملانیه استیتز: از سال ۱۹۹۰ در آلمان سامانه‌های خدمات بهداشت و درمان را به‌شکل گسترده‌ای دگرگون کردند. در سال ۲۰۰۳-۲۰۰۴ رقم‌های ثابتی را برای درمان‌های معینی نرخ‌گذاری کردند، یعنی اینکه شخص بیمار باید بابت هرگونه خدماتی که به او عرضه می‌شود مبلغی را به‌صورت جدا جدا بپردازد. این چنین است که معالجه بعضی از بیماری‌ها سودآور است و برعکس بعضی از معالجات برای بیمارستان سودآور نیست. برای به‌دست آوردن سود بیشتری، فشار کاری و سرعت کار را افزایش می‌دهند، و در استخدام پرستاران صرفه‌جویی می‌کنند. از سال ۱۳۹۰ به این طرف حدود ۵۰۰ هزار نیروی پرستار کاهش یافته است، و بر عکس ۳۰ درصد به تعداد بیماران افزوده شده است. پرستارانی که این شغل را با علاقه قلبی آموخته‌اند، فقط به‌دلیل اضطراب و فشار کاری، می‌خواهند که ساعت کاری‌شان را کاهش دهند یا اینکه کلاً از این کار دست بکشند. حد متوسط زمانی را که پرستاران در این زمینه تاب و تحمل می‌آورند، از ده سال [از سال ۱۹۹۰] به هفت و نیم سال کاهش پیدا کرده است. برای صرفه‌جویی در هزینه [از جمله دستمزد] و همچنین برای پایین آوردن تعداد آرا کارگران در تصمیم‌گیری‌ها، کار قسمت‌های استریل، نظافت و آشپزخانه را به پیمانکاران یعنی شرکت‌های خصوصی زیر کنترل کارتل‌ها واگذار کرده‌اند. فشار کاری بر کارگران این شرکت‌ها نیز رو به افزایش است. هزینه رفاه سهامداران را باید همه کارگران پرداخت کنند.

عصر ما: سیاستمداران حاکم وعده داده‌اند که معضلات و مشکلات پیش روی کارگران را از میان بردارند. آیا در این خصوص اقدامی انجام داده‌اند؟

ملانیه استیتز: هزینه‌های پرستاری به‌خاطر فشار اعتصاب و اعتراض عمومی مردم به سامانه‌ای که از آن یاد کردیم [یعنی اینکه شخص بیمار باید بابت هرگونه خدماتی که دریافت می‌کند صورت حساب آن خدمات را جدا جدا بپردازد] کنار گذاشته شد. از شش اکتبر ۲۰۱۸، وظیفه تعیین تعداد نیروی کار از وزارت بهداشت سلب و این وظیفه به‌عهده جامعه بیمارستانی گذاشته شد. طبیعتاً این فقط قطره‌ای است در دریا. بدون اعتراض و مبارزه در محل کار و همچنین بدون نظرسنجی از افکار عمومی در رابطه با افزایش نیروی کار و بدون مبارزه برای از میان برداشتن سامانه یاد شده، مسلماً آن مشکلات از میان برداشته نمی‌شوند.

عصر ما: به‌مناسبت روز جهانی زن در سراسر کشور برنامه‌های گوناگونی برگزار شد. حتی در بعضی از شهرها زنان کارگر دست به اعتصاب زدند. مهم‌ترین مسئله برای شخص شما در این اعتراض‌ها چیست؟

ملانیه استیتز: این شعار که "اگر ما دست از کار بکشیم، تمام دنیا از فعالیت بازخواهد ایستاد!" فراخوان برای اعتصاب فقط به‌خاطر موضوع‌هایی مهم مانند اعتراض به تبعیض و خشونت علیه زنان نبود، بلکه به موضوع‌هایی مرکزی‌تر و

<p>لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.</p> <p>آدرس‌های پستی:</p> <p>1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany</p> <p>2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK</p> <p>http://www.tudehpartyiran.org</p> <p>آدرس‌های اینترنت و "ای-میل"</p> <p>E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de</p>	<p>27 May 2019</p> <p>شماره فاکس و تلفن</p> <p>پیام گیر ما</p> <p>004930</p> <p>23629727</p>	<p>حزب توده ایران</p> <p>Tudeh Party of Iran</p>
<p>ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۰</p> <p>Nameh Mardom - Workers Supplement No. 20</p>		